جمله :

1-اسمیه 2-فعلیه : الف)لازم ب)متعدی

ارکان اصلی جمله اسمیه :

مبتدا + خبر

تذکر : منظور از ارکان اصلی ،نقشهای اصلی دستوری است که نحوی ها بیان کرده اند و البته که از لحاظ مبحث ترجمه و مفهوم،جمله غالبا به اجزای دیگری احتیاج دارد

مبتدا : همیشه یک اسم است (ضمیر هم اسم محسوب میشود )

خبر بر 3 نوع است :

1- مفرد(منظور اسم بودن است ) : المعلّمُ عادلٌ

توجه : مبتدا و خبر همیشه مرفوع هستند (رفع ظاهری : ضمه یا تنوینش)

2-فعل : علیٌّ ذهب

توجه : ذهب محلا مرفوع است

3-شبه جمله (مفرد یا فعل نیست،جار و مجرور ) : التلمیذُ فی الصفِّ

توجه : فی الصف چون شبه جمله است اعراب محلی دارد ،محلا مرفوع

نکته مهم در ترجمه جمله اسمیه :

در زبان عربی فعلی معادل ((است)) فارسی، وجود خارجی ندارد و غالبا این ترجمه از دل جمله اسمیه(بالاخص که خبر آن مفرد باشد) بیرون می آید .

به جمله زیر توجه کنید :

التلمیذُ ساعی

(این) دانش آموز ،تلاشگر است .

معادل دانش آموز : تلمیذ

تلاشگر : ساعی

است در حقیقت از اسناد بین تلمیذ و ساعی به وجود می آید.

2-جمله فعلیه : با فعل شروع میشود

الف)لازم : برای رساندن معنا فقط به فعل و فاعل احیتاج دارد :

یذهب الرجل

ب)متعدی :برای اتمام معنا،علاوه بر فعل و فاعل ،وجود مفعول به نیز ضروری است

أکل علیٌّ تفّاحاً : علی سیب را خورد

توجه : ارکانی غیر از فعل و فاعل و مفعول به نیز میتوانند در جمله فعلیه قرار بگیرند که البته معنای اضافی در پی خواهند داشت .

ذهب علیٌّ إلی البیت : الی البیت ،جار و مجرور

حروف جر : حروفی همانند:فی،الی،علی و مِن و ...

این حروف به اضافه اسم بعدی خود ترکیبی به اسم جار و مجرور میسازند :

فی المدرسةِ : جار و مجرور

اسم بعد از حروف جر همیشه مجرور است و مجرور به حرف جر نام دارد .